

رابطه استفاده از فضای سایبر با گرایش دانش‌آموزان به خشونت

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۰

از صفحه ۱۶۱ تا ۱۸۴

سید حمید خرازانی^۱

چکیده

مقاله حاضر با هدف رابطه استفاده از فضای مجازی با گرایش دانش‌آموزان به خشونت با هدف سنجش تأثیر فضای مجازی در گرایش‌های پرخاشگرانه دانش‌آموزان صورت گرفته است. اهمیت این تحقیق از آنجا نشئت می‌گیرد که امروزه فضای مجازی تأثیرات نامطلوبی در بروز رفتارهای هیجانی پرخاشگرانه در بین دانش‌آموزان علیه دیگران به وجود آورده است. این فضا، علیرغم جذابیت‌ها، سرگرمی‌ها و پاسخ به کنجکاوی‌های علمی مانند فیلم و بازی‌های رایانه‌ای، روح و روان دانش‌آموزان را به مخاطره می‌اندازد. این تحقیق با روش توصیفی - پیمایشی با انتخاب جامعه آماری از دانش‌آموزان منطقه ۲۲ تهران صورت گرفته است. همچنین، برای نمونه‌گیری ابتدا با محاسبه حجم نمونه از طریق معادله کوکران، تعداد ۱۴۶ نفر انتخاب و نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از سطح دبیرستان‌های منطقه انتخاب شدند. ابزار تحقیق نیز برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بوده که قبل از اجرا، اعتبار و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت که در نهایت، داده‌ها در دو بخش توصیف و آزمون فرضیه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نقش خانواده در کنترل گرایش به خشونت دانش‌آموزان بسیار مؤثر بوده و در رتبه اول قرار دارد، همچنین، فضای خشونت‌طلبی در اینترنت و بازی‌های اینترنتی نیز در افزایش خشونت‌طلبی دانش‌آموزان مؤثر بوده و در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. نتایج نشان می‌دهد عضویت دانش‌آموزان در گروه‌های استفاده‌کننده در اینترنت و استفاده از بازی‌های رایانه‌ای سبب گرایش آنان به خشونت می‌شود. از طرفی، کنترل و نظارت بر استفاده آنان از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای سبب کنترل خشونت در این گروه می‌شود.

کلیدواژه‌ها

فضای سایبر، دانش‌آموزان، پرخاشگری، اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای.

۱. کارشناس ارشد پیشگیری اجتماعی از جرم دانشگاه علوم نظامی امین: s.h.kh.tafreshi@gamil.com

مقدمه

عصر جدید که به عصر انتقال اطلاعات و ارتباطات نامیده شده است، در هر لحظه و ثانیه باید شاهد تغییرات و دگرگونی‌های شگرفی به سمت پیشرفت و توسعه بود؛ به نحوی که هر جامعه‌ای که از آن غفلت کند یا کوچک‌ترین لحظه‌ای به خود باز ماند، دیگر توان جبران این عقب‌افتادگی را نداشته و باید تاوان بالایی برای جبران این امر بدهد. در این عصر، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از جایگاه خاصی برخوردار است. اینترنت در همه‌جا حضور دارد؛ در خانه، مدرسه و حتی در مراکز خرید. طبق برآورد صورت گرفته، در سال ۱۹۸۱، ۶۶ میلیون نفر از مردم آمریکا به اینترنت دسترسی داشته که در سال ۱۹۹۹ شمار آن‌ها به ۸۳ میلیون بالغ رسیده است. در بین کاربران اینترنت، جوانان بیشترین استفاده را از آن دارند. نتایج تحقیقات انجام شده نشانگر آن است که استفاده از اینترنت در میان جوانان، بیش از هر گروه سنی دیگری است (بارکوفسکی^۱، ۱۹۸۶، ص ۵).

کودکان نیز گروه سنی دیگری هستند که استفاده وسیعی از اینترنت دارند. هم‌زمان با دسترسی روزافزون و گسترده افراد به اینترنت، شاهد نوع جدیدی از اعتیاد یعنی اعتیاد اینترنتی هستیم که موضوع رو به رشد عصر اطلاعات است. همانند تمامی انواع دیگر اعتیاد، اعتیاد به اینترنت نیز با علائمی همراه است؛ همچون اضطراب، افسردگی، کج‌خلقی، بی‌قراری، تفکرهای وسواسی، کناره‌گیری، اختلالات عاطفی و از هم گسیختگی روابط اجتماعی. از طرفی، در عین حال که روابط افراد (به‌ویژه کودکان و نوجوانان) در جهان مجازی افزایش می‌یابد، در مقابل از دامنه روابط آنان در جهان واقعی کاسته می‌شود و احتمال افت عملکرد آموزشی آنان نیز می‌رود (تامسون^۲، ۲۰۰۵، ص ۲). گسترش شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی رفتارهای بسیاری از جوانان را تغییر داده (دوران، ۱۳۸۶) و ضمن رشد پدیده خشونت و وندالیسم در بین جوانان، آن‌ها از فرهنگ و هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه خود دور ساخته است.

اینترنت، علاوه بر توان بالای انتقال و دسترسی اطلاعاتی، دارای توان ارتباطی بین کاربران^۳ نیز است؛ جوانان ما را نیز در حد بالایی به خود جذب کرده و موضوع گفتگوهای روزمره جوانان ما شده است و در این عرصه، موجب رشد خشونت‌های کلامی در بین

1. Berkowitz

2. Tampon.

3. Users

جوانان شده است. به طور کلی، آسیب‌های اجتماعی و تهدیدهای ناشی از فضای مجازی در سال‌های اخیر بیشتر شده، به طوری که در قالب آسیب بزرگ اجتماعی جدید در جامعه شناخته شده است و موجب دغدغه خانواده‌ها، مسئولان و دولتمردان به عنوان چالش بزرگی قرار گرفته است. لذا در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که آیا بین فضای سایبر و خشونت رابطه وجود دارد؟ آیا بین عضویت در گروه‌های استفاده کننده از اینترنت در گرایش دانش آموزان به خشونت رابطه وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین نقش خانواده در کنترل دانش آموزان در استفاده از اینترنت و گرایش آنان به خشونت وجود دارد؟ آیا روابط دانش آموزان با یکدیگر در فضای سایبر در گرایش آنان به خشونت رابطه دارد؟ آیا انجام بازی‌های رایانه‌ای در گرایش دانش آموزان به خشونت رابطه دارد؟ و در نهایت، اینکه آیا ایجاد روحیه خشونت‌آمیز در اینترنت در گرایش دانش آموزان به خشونت رابطه دارد؟

با توجه به اینکه امروزه شاهد گسترش عرصه‌های مجازی و فضای سایبر در تمام شئون زندگی اجتماعی هستیم، به طوری که انگار در دنیای فارغ از این دنیای واقعی نیز زندگی می‌کنیم که این امر باعث آسیب‌ها و چالش‌هایی در فضای سایبر شده است. آمارها نشان می‌دهند که در سال ۲۰۰۴ از ۶ میلیارد نفر جمعیت جهان، حدود ۷۹۵ میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کردند. این رقم که برای ایران در سال ۱۳۶۵ کمتر از دویست نفر بود، در سال ۱۳۷۰ به ۱۰۰۰۰۰ نفر، در سال ۱۳۷۹ به حدود ۲۵۰۰۰۰۰ نفر، در سال ۱۳۸۳ به حدود ۴۰۰۰۰۰۰ نفر (صادقی فسائی و محمدی، ۱۳۸۴) و بالاخره در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۱۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر رسیده است. این آمارها نشان می‌دهد که میزان استفاده‌کنندگان از اینترنت و وبلاگ نویسان در کشورمان، علی‌الخصوص میان جوانان و مردها، روز به روز در حال افزایش است (کوثری، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱).

با این‌که هیچ‌کس به‌درستی میزان دقیق آسیب‌ها، انحرافات و جرائم اینترنتی (علی‌الخصوص تأثیر آن بر بروز و گسترش خشونت‌ها) را نمی‌داند و اگر هم بداند نمی‌توان به آن آمارها اعتماد کرد؛ با این وصف، برخی گزارش‌ها در خصوص اینترنت، حاکی از ظهور پدیده‌های جدیدی است؛ از قبیل ویرانگری، وندالیسم و آسیب‌رسانی به امنیت داخلی و ملی، تهدید آسایش عمومی و موجودیت جامعه و به مخاطره افتادن

زندگی افراد اجتماع (رضوی، ۱۳۸۶؛ صادقی فسائی و محمدی، ۱۳۸۴؛ آی‌کاو^۱، ۲۰۰۱، ص ۴۶)، صدمات جبران‌ناپذیر به جوانان و زنان، گسترش خسارات فراوان به‌ویژه مالی به مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها، تأثیر بر الگوهای رفتار و بروز سبک زندگی‌های جدید نامطلوب، افزایش میزان جرائم، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اینترنتی - اجتماعی تا جایی که مشکلات فوق به یکی از مشکلات جدی جوامع و دولت‌ها بدل شده است (آی‌کاو و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۵۷). در این بین، بسیاری از دولت‌ها با صرف هزینه‌های هنگفت درصدد تدوین قوانین ملی و بین‌المللی، طراحی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای گوناگون، فیلترینگ و بسیاری دیگر از راهکارها برای مقابله و حتی گسترش فعالیت‌ها در ارتباط با این پدیده هستند (رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰). از این رو، اگرچه می‌توان خدمات بی‌شماری از جمله اشتغال، تفریح، تبلیغ و اطلاع‌رسانی گرفته تا توسعه، جهانی‌شدن، گسترش تجارت، انجام امور علمی و پژوهشی، ارسال و دریافت پیام‌ها و نامه‌ها، سرویس‌های دسترسی به اطلاعات، تشکیل گروه‌های تخصصی، سرویس خبری و آموزش از راه دور را برای اینترنت برشمرد؛ اما به سبب کارکرد دیگرش، یعنی در ارتباط بودنش با افزایش جرائم، ناهنجاری‌ها، آسیب‌های اجتماعی، گسترش خشونت‌ها و از این قبیل ضرورت توجه به آن الزامی است.

در علوم اجتماعی، خشونت و پرخاشگری^۲ به رفتاری اطلاق می‌شود که هدف آن صدمه زدن به خود و دیگران است. برای فهم بیشتر مفهوم خشونت و پرخاشگری در ذیل به شرح فضای مفهومی خشونت و پرخاشگری خواهیم پرداخت:

خشونت که معادل ویولنس^۳ است، در اصل مفهومی فلسفی است. این کلمه را در فلسفه «قصر» معنا می‌کنند و در مقابل نیچر^۴ بکار می‌برند. توضیح آنکه در طبیعیات ارسطویی، دو نوع حرکت شناخته می‌شود: حرکت طبیعی و حرکت قسری (ضد طبیعی). بنابراین، «قصر» یا «خشونت» آن است که ضد مجرا و حرکت طبیعی باشد و لذا «خشونت» یعنی به شیوه‌ای خلاف نرم و خلاف طبع دست بردن است؛ خواه خلاف طبع فرد انسانی باشد یا خلاف طبع جامعه انسانی (والک و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷). در فرهنگ حقوقی

1. Ekav
2. Aggression
3. Violence
4. Natural

«Black»، خشونت را استفاده نابجا، غیرقانونی و تعرض آمیز قدرت تعریف می‌کند. یک نوع آن اجبار غیرقانونی است که علیه آزادی و حقوق عمومی به کار برده می‌شود و در ارتباط با جرائم خشونت‌آمیز، به جرائمی اشاره دارد که جرائم فیزیکی یا جسمی بی‌نهایت شدیدی را دارا بوده و این وصف به‌عنوان شخصیت و ساختار مجرمانه بودن عمل فوق‌الذکر، ضروری دانسته شده است؛ مانند قتل، تجاوز به عنف، کتک زدن و ... (معتمدی مهر، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

خشونت مفهومی گسترده دارد و نوعی قدرت است که هدف خاصی را تعقیب می‌کند و آن مشخص کردن مرزها و جلوگیری از اعمال یک قدرت دیگر است و در همین معنای طبیعی، خشونت می‌تواند از سوی دیگر نیز وارد شود و بجای اینکه قدرتی را محدود کند قدرتی را به وجود آورد. گلز و استراوس دو فردی که سال‌های زیادی در زمینه خشونت به بررسی پرداخته‌اند، در تعریف خشونت می‌گویند: «خشونت، رفتاری با قصد و نیت آشکار یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک، برای وارد آوردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است (اعزاز، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

به باور راب^۱، خشونت نوعاً برای کنش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به یکی از سه شیوه^۱ - ترس از ناکامی؛ ۲- تمایل به ایجاد ترس و وحشت در دیگران؛ ۳- تمایل به تحمیل افکار و خواسته‌ها برانگیخته شوند. با این وجود، درباره خشونت و پرخاشگری تعاریف دیگری نیز ارائه شده است که وجوه اشتراک و اختلاف آن‌ها نیز قابل توجه است؛ برخی پرخاشگری را واکنشی غریزی به هجوم، ناکامی و رقابت برای دستیابی به منابع می‌دانند که عمدتاً از طریق برخورد بدنی تجلی می‌یابد. اریک فروم «همه اعمالی را که باعث آسیب رساندن به شخصی، شیء یا جانور دیگر می‌شود یا با چنین قصدی صورت گیرد» را پرخاشگری می‌نامد. ارونسون نیز خشم و پرخاشگری را عملی می‌داند که هدفش اعمال صدمه، آسیب و رنج است. در تعریف دیگری از پرخاشگری، چنین آمده است: «پرخاشگری، به هر نوع رفتاری که معطوف به آسیب رساندن یا اعمال صدمه به فرد دیگر علی‌رغم میل او باشد، اطلاق می‌شود» (بارون^۲، ۱۹۹۴، ص ۱۲).

1. Rober

2. Baron

به تعبیر برخی روانشناسان، پرخاشگری متضمن کاربرد عمدی و هجومی قدرت بر علیه فرد یا گروه دیگر برخلاف هنجارهای اجتماعی است. برکویتز^۱، روانشناس اجتماعی معاصر نیز با تعریف پرخاشگری به عنوان آسیب رساندن عمدی به دیگری می‌افزاید، این آسیب ممکن است جنبه فیزیکی یا روانی داشته باشد. خشونت معمولاً بر اساس شدت آسیب از پرخاشگری متمایز می‌شود و کنشی است که عامل آن به‌عمد برای آسیب‌رسانی فیزیکی به دیگری تلاش می‌کند (برکویتز، ۱۹۶۴، ص ۳۰۷).

با توجه به مباحثی که مطرح شد، می‌توان خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی به عنوان کنش و عملی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به‌منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی به دیگران انجام می‌پذیرد. افزون بر اینکه در تعریف خشونت و پرخاشگری، به مفهوم بی‌توجهی به پیامدهای عمل که منجر به آسیب‌دیدگی دیگران یا خود می‌شود نیز تأکید می‌شود؛ بنابراین خشونت با رفتار، کنش و کاربرد نیروی فیزیکی آسیب‌زا مشخص می‌شود. همچنین، خشونت را می‌توان به‌مثابه تجلی افراطی و شدید خشم و عصبانیت به شکل احساسی یا کلامی در نظر گرفت. عنصر ذاتی خشونت را پرخاشگری شکل می‌دهد که می‌توان آن را به‌عنوان واکنشی ارادی یک فرد یا گروه در تحمیل و وارد ساختن آسیب، درد و رنج به افراد دیگر در نظر گرفت. بنابراین، درنهایت می‌توان گفت که خشونت عملی آسیب‌رسان است که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و به اشکال و صور ذیل دیده می‌شود:

- خشونت فیزیکی (از ضرب و شتم گرفته تا قتل)؛
- خشونت روانی (از داد و فریاد، تحقیر کلامی، دشنام گرفته تا تهدید)؛
- خشونت اجتماعی (هرگونه ایجاد محدودیت در برقراری روابط اجتماعی با افراد دیگر)؛
- خشونت اقتصادی (تخریب اموال).

گونه‌شناسی خشونت و پرخاشگری: رایج‌ترین تمایز و تقسیم‌بندی مربوط به پرخاشگری، تقسیم‌بندی پرخاشگری به دو نوع بازتابی و ابزار^۲ است. پرخاشگری بازتابی یا خصمانه با هدف ایراد آسیب فیزیکی یا روانی به‌عنوان یک هدف و نه یک ابزار انجام می‌شود (آلدرمن^۳، ۱۹۷۴، ص ۲۲۸). به تعبیر لئوناردو، این پرخاشگری دارای مؤلفه‌ای

1. Berkowitz
2. Instrumental
3. Alderman

اساساً احساسی بوده و هدف آن آسیب‌رسانی است، پرخاشگری بازتابی را پرخاشگری خشمگینانه می‌نامد که در جریان آن فرد پرخاشگر به سبب تلقی دیگران، دیگران به‌عنوان تهدید یا محرکی آسیب‌رسان خشمگین و برآشفته می‌گردد (بلانچارد^۱، ۱۹۸۵: ۲۵۵). در برخی متون، این نوع پرخاشگری با عنوان پرخاشگری عاطفی مورد اشاره قرار گرفته است.

پیترمارس و همکارانش در دانشگاه آکسفورد نیز به دو نوع پرخاشگری قائل هستند: ۱- پرخاشگری یا خشونت واقعی و ۲- پرخاشگری یا خشونت آئینی^۲. اولی را اعمال خشونت جسمانی علیه دیگران تعریف می‌کنند و دومی را نمادین می‌نامند، مثل نشان دادن اسلحه به جای استفاده از آن؛ هرچند در شرایطی ممکن است به استفاده از آن و ضرب و جرح و قتل بینجامد که در این صورت نوع دوم به نوع اول منتهی می‌شود. پرخاشگری آئینی محصول توافقی در مورد مجموعه‌ای از قواعد است که از گفته‌های شرکت‌کنندگان در آن می‌توان آن را استنباط کرد.

برخی دیگر از محققان بر اساس شکل و بروز خشونت و پرخاشگری، آن را به دو نوع کلامی و فیزیکی تقسیم‌بندی کرده‌اند. پرخاشگری کلامی در جریان تقابل و معارضه دو فرد یا گروه از طریق تهدید، هو و جنجال، تمسخر و استهزاء و سخنان توهین‌آمیز بروز می‌کند. پرخاشگری فیزیکی تقابل و معارضه دو فرد یا بیشتر، از طریق بدنی و تمسخر به‌زور و فیزیک است.

رویکردهای مربوط به تبیین خشونت: به‌طور کلی سه رهیافت عام در مورد تبیین خشونت و پرخاشگری وجود دارد. این سه رهیافت را می‌توان رهیافت‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نام نهاد. ما با اهمیت و احترام قایل شدن به حوزه‌های زیستی و روانی، تأکید خود را به حوزه‌های اجتماعی - ارتباطی و تا اندازه مختصری به روان‌شناسی معطوف داشته و به ارتباط میان رسانه و خشونت خواهیم پرداخت.

نظریه‌های روان‌شناختی: پارادایم روان‌شناختی، محور اصلی خود را معطوف به جنبه‌های روانی می‌کند. در این پارادایم، دو تئوری ناکامی - پرخاشگری و یادگیری

1. Belanchard.

2. Ritual

اجتماعی بیش از سایر تئوری‌ها مطرح هستند که به ترتیب به هر کدام از آن‌ها خواهیم پرداخت:

الف) تئوری ناکامی - پرخاشگری^۱: تئوری ناکامی - پرخاشگری که از آن با عناوین محرومیت نسبی - پرخاشگری و سرخوردگی - پرخاشگری یاد می‌شود (فکوهی، ۱۳۷۸، ص ۳۲) از معروف‌ترین و رایج‌ترین نظریه‌ها دربارهٔ خشونت و پرخاشگری است که ناکامی و محرومیت نسبی را مهم‌ترین عامل به وجود آورندهٔ پرخاشگری و خشونت در نظر می‌گیرد. به باور جان دالارد و همکارانش، پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و ناکامی همیشه منجر به پرخاشگری می‌شود. هیچ یک نمی‌توانند بدون دیگری صورت گیرند؛ هر چیزی که مانع رسیدن به هدف شود موجب ناکامی می‌شود (مایرز^۲، ۱۹۹۴، ص ۳۹۶).

تئوری ناکامی - پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به‌طور عمده، ملهم از یک سائق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. در این تئوری، پرخاشگری فرآیندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد. ناکامی حاصل از چنین فرآیندی در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز بین افراد می‌شود. مهم‌ترین هدف یا اهدافی که به‌عنوان محور آسیب مورد توجه قرار می‌گیرند منبع یا منابع ناکامی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹). تئوری ناکامی - پرخاشگری از یک‌سو ناکامی را موجد انگیزه‌های پرخاش‌جویانه و پرخاش‌گرایانه می‌داند و از دیگر سوی ریشهٔ هرگونه پرخاشگری را در عوامل پیشین موجد ناکامی جستجو می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹، ص ۷). تئوری ناکامی - پرخاشگری در آغاز (۱۹۳۹) از جانب روانشناسانی مانند دولارد^۳، دوب^۴، میلر^۵ و سیرز^۶ مطرح شد. فرضیه‌های آغازین تئوری ناکامی - پرخاشگری عبارت بودند از:

۱- ناکامی سبب بروز برخی از اشکال پرخاشجویی می‌شود.

1. Frustration Aggression theory

2. Myers.

3. Dullard.

4. Dobb.

5. Miller

6. Sears

۲- کنش‌های پرخاش جویانه حاصل برخی اشکال ناکامی هستند. دولارد و همکارانش به طرح این ادعا پرداختند که محرک پرخاشگری سائق روان‌شناختی است که مانند سائق‌های فیزیولوژیکی - مثل گرسنگی و تشنگی - است. سائق فیزیولوژیکی مانند گرسنگی به سبب محرومیت از غذا به وجود می‌آید؛ پرخاشگری نیز به سبب ناکامی حاصل می‌شود. دولارد استدلال می‌کند سائق گرسنگی تلاش برای یافتن غذا و سائق پرخاشگری تلاش برای آسیب رساندن را برمی‌انگیزاند. به اعتقاد دولارد و همکارانش، هر چه محرک دستیابی به هدف و انتظار تحقق آن نیرومندتر باشد، ناکامی به‌گونه‌ای شدیدتر تجلی می‌یابد و انرژی پرخاش جویانه نیاز به تخلیه مستقیم علیه منبع ناکامی دارد (مایرز، ۱۹۹۴، ص ۲۴۷). برای نظریه ناکامی - پرخاش، فرمول بندی‌های مجدد دیگر نیز پیشنهاد شده است. در اینجا فرمول بندی لئونارد برکویتز را در نظر می‌گیریم. به عقیده برکویتز در بازنگری تئوری ناکامی - پرخاشگری توجه به سه موضوع ضروری است:

۱- احساس ناشی از ناکامی لزوماً منجر به پرخاشگری نمی‌شود، بلکه تنها نوعی آمادگی برای ارتکاب کنش پرخاش جویانه ایجاد می‌کند.

۲- حتی با وجود آمادگی برای پرخاشگری، این عمل تا زمانی که نشانه‌ها و حالات مناسب فراهم نشود، رخ نمی‌دهد.

۳- هنگامی که عادت‌های پرخاش جویانه‌ای که قبلاً آموخته شده‌اند برانگیخته شوند، پرخاشگری ممکن است بدون اینکه ضرورتاً با ناکامی همراه باشد رخ دهد. برکویتز ادعان می‌کند که ناکامی با ایجاد خشم و عصبانیت نوعی آمادگی عاطفی برای ارتکاب کنش‌های پرخاشگریانه به وجود می‌آورد. نشانه‌ها و نمادهای خشونت‌آمیز و پرخاش جویانه این آمادگی را تقویت می‌کنند (مایرز، ۱۹۹۳، ص ۲۴۸).

ب) تئوری یادگیری اجتماعی^۱: تئوری یادگیری اجتماعی به چگونگی تأثیرگذاری وضعیت‌های اجتماعی و محیطی بر پرخاشگری انسان تأکید دارد. در این تئوری، پرخاشگری و خشونت به‌مثابه رفتارهای اجتناب‌ناپذیر تلقی نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان رفتارهایی در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس پاداش‌ها و تنبیه‌ها شناخته و آموخته می‌شوند. در این میان، افزون بر پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که افراد خود به‌صورت مستقیم

تجربه می‌کنند، به پاداش‌ها و تنبیه‌هایی که الگوهای نقش به سبب رفتار پرخاشگرانه‌شان دریافت می‌دارند توجه می‌شود. بر این اساس، افراد به مشاهده و تأمل در رفتار الگوها و پیامدهای آن می‌پردازند، اگر این پیامدها مثبت باشد، رفتار مذکور در وضعیت‌های مشابه از سوی مشاهده کننده مورد پیروی قرار می‌گیرد. پیشینه این تئوری به دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بازمی‌گردد که ژولین روتر، شخصیت‌شناس برجسته به نقش متغیرهای شناختی و اجتماعی در شناخت شخصیت تأکید ورزید. وی معتقد بود که افراد در تأثیرگذاری بر رویدادهای زندگی خویش عوامل فعالی هستند، موقعیت کنترل، پتانسیل رفتار، چشمداشت، ارزش تقویت‌کننده و وضعیت روان‌شناختی از جمله مفاهیمی بودند که روتر از اندیشه‌های خویش به آن‌ها پرداخت. اما امروز نام آلبرت باندورا، بیش از هر کس دیگری در بین صاحب‌نظران این تئوری مطرح است. مبنای این تئوری، بر این اساس استوار است که پرخاشگری و خشونت رفتار و کنش اجتماعی است که از طریق فرآیندهای اجتماعی، تولید، باز تولید و فرا گرفته می‌شود. باندورا رفتار را به‌عنوان مسئله‌ای می‌داند که از محیط یادگیری فرد سرچشمه می‌گیرد. یادگیری از طریق مدل‌ها و تقویت رفتار به‌وسیله پاداش و تنبیه ایجاد می‌شود. فرد ممکن است رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهاجمی را از طریق سه منبع یاد بگیرد: خانواده، زیرمجموعه‌های فرهنگی (مثلاً طبقه اجتماعی فقیر) و فرهنگ (مطالعه، تلویزیون، سینما و ...). تحقیقات نیز تا حدودی اصول کلی تئوری یادگیری را تأیید می‌کند (جاک، ۱۹۹۱، ص ۴۶). تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده است که اعمال خشونت رفتاری اکتسابی است و خشونت‌های خانگی که شخصاً در دوران کودکی به‌عنوان ناظران اولیه شاهد آن‌ها بوده یا خود قربانی آن خشونت‌ها شده است، پیامدهای سوء بر آینده وی می‌گذارد و شخص با یادگیری رفتار خشن آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. بنا بر دیدگاه‌های جدید، ریشه اولیه پرخاشگری پایدار و مداوم در الگوسازی و تقویت معیارهای خانواده است. بر طبق این دیدگاه، خانواده محیطی را برای یادگیری فراهم می‌کند که رفتارهای خشن در آن الگوسازی، تمرین و تقویت می‌شود (شهین دوخت، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

باندورا، تأکید ویژه‌ای بر نقش یادگیری مشاهده‌ای در آشنایی با رفتار می‌کند. به نظر باندورا، افراد تحت تأثیر محیط قرار دارند؛ اما افزودن بر آن در ایجاد محیط اجتماعی و سایر شرایطی که در برخوردها و کنش‌های متقابل روزمره‌شان پدیدار می‌شود نقش فعالی را ایفا می‌کنند. به عبارتی، پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد و از طریق مشاهده کسب می‌شود و نمی‌تواند پایه ذاتی داشته باشد (ستوده، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰ و کریمی ۱۳۷۸، ص ۲۴۶).

نظریه‌های جامعه‌شناختی^۱

الف) تئوری تضاد^۲: صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی متعددی بر اهمیت تضاد در امور فی‌مابین انسان‌ها تأکید ورزیده‌اند. از جمله این‌ها می‌توان از پولی بیوس (تاریخ‌نویس یونانی ساکن روم)، ابن خلدون، ماکیاول، ژان بودن (متفکر اجتماعی فرانسه) و توماس هابز نام برد. در قرن هیجدهم، اندیشمندان اقتصاد و زیست‌شناسی ستیزه را در مرکز نظریه‌های خود قرار می‌دادند، در کلیه نوشته‌های آدام اسمیت ستیزه بین منافع فردی و منافع اجتماعی به چشم می‌خورد.

دیدگاه تضاد بر این باور است که ریشه خشونت اساساً در تضاد منافع است. رفتارهای خشونت‌آمیز بدون تضاد منافع نه ضرورت می‌یابد و نه کاربردی دارد، این نظریه بر این باور است که هر چه موقعیت‌های تنش‌زا که روابط میان آدمیان را تهدید می‌کند، بیشتر باشد، احتمال بروز رفتار خشونت‌آمیز در جامعه بیشتر خواهد شد (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۷۶) همان‌گونه که هوفشتاتر نیز معتقد است که مهر و خشونت اغلب به‌منظور برقراری و حفظ وضع موجود به کار گرفته شده است و به نظر می‌رسد که در جهت این منظور مؤثرتر بوده است.

مکتب دوم، یعنی مکتب ماکس وبر و گئورگ زیمل به‌زعم تأییراتی که از مارکس پذیرفته است، چنین برداشتی از انقلاب را پنداری واهی و تصور مارکس از سعادت را یوتوپایی می‌داند. وبر و زیمل بر آن‌اند که کشمکش و تضاد جزء ذات جامعه بشری است و غیرممکن به نظر می‌رسد که بتوان با اقدامی قاطع یعنی انقلابی کمونیستی آن‌ها را از میان برد و سعادت ابدی را در این جهان نصیب بشر کرد. وبر به‌طور مشخص برداشت

1. Sociological Paradigm.

2. conflict theory.

مارکس از جامعه کمونیستی را رد می‌کند و معتقد است کمونیسم نه فقط کشمکش‌ها و تضادها را از میان نخواهد برد بلکه حل عقلانی آن‌ها را نیز مانع خواهد شد (ابادری، ۱۳۷۷، ص ۷۸).

ب) تئوری ساختی - کارکردی: جامعه‌شناسان کارکردگرا از امیل دورکیم تا پارسونز و جامعه‌شناسان کارکردگرای جدیدتری نظیر جانسون و اسملسر که به‌ویژه پدیده خشونت سیاسی در شورش‌ها و انقلاب‌ها را تحلیل کردند همواره بر ضرورت حفظ حالت توازن در جامعه تأکید داشتند؛ عنصر اصلی این حالت همبستگی اجتماعی و انسجام است که به دلیل کارکرد بسیار مهم انطباق افراد با جامعه با انگیزه کسب اهداف آن‌ها انجام می‌گیرد؛ در نظریه کارکردگرا هر چند خشونت نوعی عارضه و بیماری اجتماعی شمرده می‌شود اما این بیماری در روند حرکت اجتماعی ناگزیر به شمار می‌آید (فکوهی، ۱۳۷۸، ص ۷۸).

هر جامعه‌ای در طول حیات خود به دلیل افزایش تقسیم کار اجتماعی و پیچیده‌تر شدن روابط درون آن دائماً هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد که افراد باید خود را با آن‌ها انطباق دهند تا بتوانند در شرایط جدید اجتماعی جای بگیرند و همبستگی خود را در درون انسجام اجتماعی حفظ کنند؛ اما افراد جامعه همواره قادر نیستند این عمل را انجام دهند به‌خصوص اگر سرعت تغییرات زیاد باشد. نتیجه آن است که تغییرات اجتماعی می‌توانند سبب به وجود آمدن فشارهایی بر افراد شوند که در آن‌ها ایجاد ترس و اضطراب نماید. این احساس‌ها نیز خود می‌توانند سرچشمه خشونت‌های فردی یا گروهی شوند که جامعه را از حالت توازن و تعادل خارج می‌کنند (فکوهی، ۱۳۷۸، ص ۷۹).

نقش فضای مجازی در خشونت جوانان: چنین به نظر می‌رسد که رسانه‌های جمعی و اجتماعی (ماننی شبکه‌های اجتماعی) تا اندازه زیادی بر میزان‌های جرم، ناهنجاری‌های اجتماعی به‌ویژه خشونت تأثیر می‌گذارند. شواهد و یافته‌های تحقیقات در این باره فراوان است. با اینکه اکثر نظریه‌پردازان و محققان قبول دارند که رسانه‌ها تا حدی مؤثرند، ولی کسی دقیقاً ماهیت این تأثیرات (این که سطحی است یا عمقی؛ کوتاه‌مدت است یا بلندمدت؛ قوی است یا ضعیف؛ ماندگاری آنچه قدر است؟ کلان است یا خرد یا میانه؛ مستقیم است یا غیرمستقیم؛ قابل پیش‌بینی است یا غیرقابل پیش‌بینی؛ و...) را نمی‌شناسد. چون تقریباً فقط بر موارد منفرد الگوبرداری از خشونت و جرائم در رسانه‌ها متمرکز شده است. هنوز در خصوص تأثیرات رسانه‌ها مثل تأثیر آن بر حس و تصور مردم

درباره عدالت و انصاف یا تأثیرات به نمایش درآوردن مجازات مجرمان، مبحث تطهیر و هیجان، انصراف خاطر، حساسیت‌زدایی و... بررسی و مشخص نشده است.

برخی بر این باورند که اکثر کسانی که در معرض رسانه‌های زیان‌آور قرار دارند، تحت تأثیر منفی نمایش‌ها و پیام‌های آن قرار نمی‌گیرند. تأثیرات شدید رفتاری نیز نسبتاً کمیاب‌اند و بیش‌تر افراد مستعد و در معرض خطر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند؛ اما این امکان هم وجود دارد که رسانه‌ها تأثیرات درازمدت بر عده کثیری از مردم بگذارند و بر شمار افراد مستعد در معرض خطر بیفزایند.

جرم‌زایی رسانه‌ها و گرایش به خشونت به مواردی مانند محتوای محصولات رسانه‌ای، بافت رسانه‌ها (مقدار پوشش و میزان پخش آن، سبک‌های ارائه و پخش جرائم همراه با حمایت از آن و ...) و بافت جامعه (هنجارهای فرهنگی موجود، گرایش‌های مصرف‌کننده‌ها، فرصت‌های ارتکاب جرم و تعداد خلاف‌کاران موجود و ...) بستگی دارد. به نظر می‌رسد که هر چه اتکای مصرف‌کننده‌ها و کاربران رسانه‌ها برای کسب اطلاعات در مورد دنیا و گرایش به جرم بیشتر باشد، تأثیر رسانه‌ها بیشتر خواهد بود.

رویکرد نظری، قائل به تأثیرات قاطع که از آغاز قرن تا اواخر دهه ۱۹۳۰ میلادی به طول انجامید است؛ ظهور نظریه گلوله جادویی یا سوزن تزریق^۱، شاید گویاترین گزینه و توصیف برای نشان دادن تأثیرات بی‌چون و چرای رسانه‌ها بر مخاطبان است به باور این گروه از محققان، رسانه هر جا که باشند از چنان قدرتی برخوردارند که می‌تواند عقاید، باورها، عادات زندگی و الگوهای رفتارها را مطابق میل کنترل‌کنندگان آن درآورده یا تغییر دهند. این دیدگاه خطی بر این باور است که رسانه‌ها توان تسخیر ذهن تمامی مخاطبان، به‌ویژه جوانان را دارد (ولفگان و وینر^۲، ۱۹۸۲، ص ۳۵۵). نتیجه این‌که، اگرچه بنیاد همه مطالعات ارتباطات جمعی بر این فرض نهاده شده که رسانه‌ها دارای تأثیر هستند، اگرچه که هنوز تحقیقات روشن و قاطعی در این باره وجود ندارد و ما نیازمند تحقیقات بیشتر برای اثبات این تحقیقات هستیم. دوم، باوجود این‌که اکثر نتیجه‌گیری‌ها در مورد تأثیرات رسانه‌ها بر جرم از بررسی‌های مربوط به پرخاشگری و خشونت اخذ شده، لکن در علوم اجتماعی شواهد قطعی کمی در این باره وجود دارد (مک کوایل، ۲۰۰۱، ص ۳۵۴).

1. Magic bullet theory or hypodermic needle theory

2. Wolfgang & Weiner

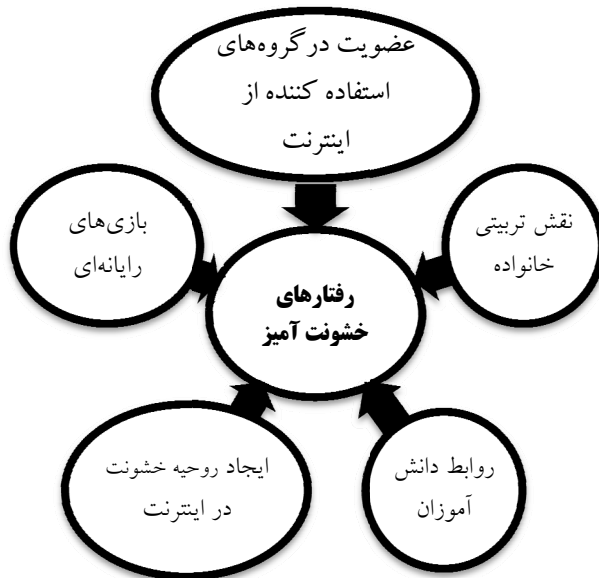
پایه‌های نظری آثار خشونت رسانه‌ای، به‌طور کلی طی دهه ۱۹۷۰ میلادی و در کتاب «ریچارد کوینی»^۱ با عنوان «واقعیت اجتماعی جرم» ریخته شد و پس از آن و به‌واسطه توسعه رسانه‌های نوین گسترش یافت. چالش اساسی تمامی آثار و تحقیقات حول رسانه و جرم در تمامی کشورها، پاسخگویی به این پرسش مهم بود که: آیا رسانه‌ها باعث افزایش بروز جرم و خشونت در جامعه می‌شوند یا اینکه رسانه‌ها تنها بازتابی از جرم و خشونت در جامعه است؟

زوال پایبندی‌های اخلاقی و زندگی معنوی از طریق رسانه‌ها، موضوع یا ادعای دومی است که توجه و هراس از رسانه‌ها و محتواهای آن‌ها را در جوامع مختلف، به‌ویژه جوامع در حال توسعه را بیشتر کرده است (دوران، ۱۳۸۶، ص ۵۹). به نظر می‌رسد این توجه و هراس‌ها که با پیدایی و گسترش فناوری‌های جدید افزون‌تر نیز شده، به سبب گزارش‌هایی است که در این کشورها، به گسترش جرائم، ناامنی‌ها، ناهنجاری‌ها، خشونت‌ها و آسیب‌های اجتماعی اشاره دارد. به این معنا که این گزارش‌ها علل افزایش بسیاری از ناامنی‌ها، خشونت‌ها، جرم و جنایات و در کل ناهنجاری‌ها را در رسانه‌ها جستجو می‌کردند. بی‌شک این شرایط جدید توأم با هراس‌ها و نگرانی‌ها، نه تنها می‌تواند بر روند فرهنگ جامعه، بلکه بر ظهور رفتارهای جدید تأثیر به‌سزایی داشته است (خانیک، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

تعدادی از تحقیقات در این باره نشان می‌دهد که بخش قابل‌ملاحظه از مردم معتقدند که برنامه‌های رسانه‌ای و پوشش‌های خبری رسانه‌هایی مانند تلویزیون، روزنامه‌ها، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌های سینما به وقوع جرائم دامن می‌زند؛ چراکه این رسانه‌ها معمولاً از هر سه پیش‌شرط: نمایش مستمر و زیاد خشونت، منحصر به فرد بودن در نمایش یا ارائه پیام‌های مجرمانه و زیاد بودن مخاطبان برنامه‌های خشونت‌آمیز برخوردارند. به باور آن‌ها، رسانه‌ها به‌ویژه بر روی جوانان پسر مجرد، تأثیرات بیشتری دارد.

مدل مفهومی تحقیق نشان می‌دهد که رسانه‌های مختلف از رسانه‌های سنتی گرفته تا رسانه‌های نوین مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ...، عاملی مؤثر بر میزان‌ها بروز و گسترش خشونت در جامعه هستند.

1. Richard quinny



نمودار ۱ - مدل مفهومی تحقیق

این مدل حاکی از آن است که رسانه‌ها از خلال برخی عوامل و متغیرهای اجتماعی و میزان‌های تفریح و تفنن افراد استفاده کننده از رسانه‌های مجازی و نیز فرهنگ جامعه و خانواده در گرایش به خشونت اثر دارد. پر واضح است که در کنار عوامل اجتماعی و ارتباطی یادشده، بسیاری از عوامل فردی و زیستی ممکن است در بروز و گسترش خشونت‌ها با تأکید بر تماشا یا کاربرد رسانه‌های مجازی مؤثر باشد که ما این را به محققان حوزه مربوط واگذار کرده‌ایم.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ویژگی موضوع مورد بررسی، در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی استفاده می‌شود. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش آموزان محصل منطقه ۲۲ تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ است. برابر آمار آموزش و پرورش، دانش آموزان در منطقه شهرداری فوق ۲۱۰۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران به شرح ذیل حجم نمونه محاسبه شد که تعداد نمونه محاسبه شده ۱۴۶ نفر است. با این وجود، روش نمونه‌گیری این تحقیق خوشه‌ای چندمرحله‌ای است؛ بنابراین ابتدا با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چند دبیرستان (دخترانه و پسرانه) در منطقه ۲۲ انتخاب شد (۴ دبیرستان) و سپس تعداد نمونه‌ها در ۴ سطح دبیرستان (سال اول تا چهارم) توزیع

شد. تعداد نمونه عبارت بود از ۲۱ نفر از سال اول، ۷۰ نفر سال دوم، ۴۲ نفر سال سوم و ۱۳ نفر سال چهارم که از این میان، ۹۸ نفر پسر و ۴۶ نفر دختر بودند. رشته تحصیلی نیز عبارت بود از: ۳۳ نفر تجربی، ۶۸ نفر ریاضی و ۲۳ نفر انسانی، ۲۰ نفر فنی و حرفه‌ای و ۲ نفر عمومی. در نهایت، ۱۴۶ پرسشنامه توسط دانش‌آموزان یادشده تکمیل شد. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که قبل از اجرا، اعتبار و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. به منظور بررسی روایی پرسش‌نامه، از روش منطقی استفاده کرده‌ایم که یکی از معتبرترین روش‌های تعیین روایی است. بدین منظور، با توجه به روایی ظاهری که پرسشنامه دارا است، کمیت و کیفیت سؤالات از نظر خبرگان مورد بررسی قرار گرفت که از نظرات ۷ نفر از خبرگان حوزه آسیب‌های اجتماعی استفاده شده است. بدین منظور، جلساتی با این افراد ترتیب داده شد که روایی پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه این مباحث، تغییراتی در جهت اصلاح پرسش‌نامه و اعتباربخشی به آن، به انجام رسید و پرسش‌نامه جهت توزیع، نهایی شد. برای سنجش پایایی ابزار نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه اول: «بین عضویت در گروه‌های استفاده‌کننده از اینترنت و گرایش دانش‌آموزان به خشونت رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۱- آزمون فرضیه اول

جمع	عضویت دانش‌آموزها در گروه‌های استفاده‌کننده از اینترنت			گرایش به خشونت
	زیاد و خیلی زیاد	تا اندازه‌ای	کم	
۲۳	۰	۸	۱۰	خیلی کم
۱۷	۴	۹	۳	کم
۷۲	۳	۲۵	۳۱	تا اندازه‌ای
۳۴	۲	۱۲	۱۸	زیاد و خیلی زیاد
۱۴۶	۹	۵۴	۶۲	جمع
آزمون	ارزش			میزان خطا
کای اسکوتر	۱۸/۹۸۹			۰/۰۲۵

با بررسی جدول (۱) و مقدار آزمون کای اسکوتر (۱۸.۹۸۹) و سطح معناداری ۰/۰۲۵، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد بین عضویت در گروه‌های استفاده‌کننده و گرایش دانش‌آموزان به خشونت، رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه H_1 مورد تأیید بوده و H_0 رد می‌شود؛ بنابراین بر طبق داده‌های جدول هر چه عضویت دانش‌آموزها در

گروه‌های استفاده کننده از اینترنت بیشتر شود، به همان اندازه، گرایش به خشونت در آن‌ها بیشتر می‌شود.

آزمون فرضیه دوم: «بین نقش خانواده در کنترل دانش آموزان در استفاده از اینترنت و گرایش به خشونت رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۲- آزمون فرضیه دوم

جمع	عضویت دانش آموزها در گروه‌های استفاده کننده از اینترنت				گرایش به خشونت
	زیاد و خیلی زیاد	تا اندازه‌ای	کم	خیلی کم	
۲۳	۸	۱۴	۱	۰	خیلی کم
۱۷	۵	۹	۳	۰	کم
۷۲	۸	۲۵	۲۲	۱۷	تا اندازه‌ای
۳۴	۱	۸	۱۵	۱۰	زیاد و خیلی زیاد
۱۴۶	۲۲	۵۶	۴۱	۲۷	جمع
آزمون		ارزش		میزان خطا	
کای اسکوتر		۳۷/۶۵		۰/۰۰۰	

با بررسی جدول (۲) و مقدار آزمون کای اسکور (۳۷.۶۵) و سطح معناداری ۰/۰۰۰، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد بین نقش خانواده و گرایش دانش آموزان به خشونت، رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه H_1 مورد تأیید بوده و H_0 رد می‌شود؛ بنابراین بر طبق داده‌های جدول، هر چه خانواده، نقش خود را در کنترل جوانان و نظارت بر نحوه استفاده آن‌ها از اینترنت افزایش دهد، گرایش به خشونت در آن‌ها کنترل می‌شود.

آزمون فرضیه سوم: «بین روابط دانش آموزان و گرایش آنان به خشونت رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۳- آزمون فرضیه سوم

جمع	عضویت دانش آموزها در گروه‌های استفاده کننده از اینترنت				گرایش به خشونت
	زیاد و خیلی زیاد	تا اندازه‌ای	کم	خیلی کم	
۱۷	۶	۱۰	۱	۰	خیلی کم
۱۷	۵	۹	۳	۰	کم
۶۸	۱۰	۲۵	۱۸	۱۵	تا اندازه‌ای
۴۴	۱	۱۲	۱۹	۱۲	زیاد و خیلی زیاد
۱۴۶	۲۲	۵۶	۴۱	۲۷	جمع
آزمون		ارزش		میزان خطا	
کای اسکوتر		۲۰/۲۹		۰/۰۰۳	

با بررسی جدول (۳) و مقدار آزمون کای اسکوتر (۲۰.۲۹) و سطح معناداری ۰/۰۰۳،

می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد بین روابط دانش آموزان و گرایش آنان به خشونت، رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه H_1 مورد تأیید بوده و H_0 رد می‌شود؛ بنابراین بر طبق داده‌های جدول، هر چه روابط دانش آموزان افزایش دهد، گرایش به خشونت در آن‌ها افزایش می‌یابد.

آزمون فرضیه چهارم: «بین انجام بازی‌های رایانه‌ای و گرایش دانش آموزان به خشونت رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۴ - آزمون فرضیه چهارم

جمع	عضویت دانش آموزها در گروه‌های استفاده‌کننده از اینترنت				گرایش به خشونت
	زیاد و خیلی زیاد	تا اندازه‌ای	کم	خیلی کم	
۲۳	۱۸	۴	۰	۱	خیلی کم
۱۷	۹	۵	۲	۱	کم
۷۲	۱۰	۳۵	۷	۲۰	تا اندازه‌ای
۳۴	۷	۶	۱۵	۶	زیاد و خیلی زیاد
۱۴۶	۴۴	۵۰	۲۴	۲۸	جمع
آزمون		ارزش		میزان خطا	
کای اسکوتر		۶۵/۸۹		۰/۰۰۰	

با بررسی جدول (۴) و مقدار آزمون کای اسکوتر (۶۵/۸۹) و سطح معناداری ۰/۰۰۰، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد بین انجام بازی‌های رایانه‌ای و گرایش دانش آموزان به خشونت رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه H_1 مورد تأیید بوده و H_0 رد می‌شود؛ بنابراین بر طبق داده‌های جدول هر چه دانش آموزان از بازی‌های رایانه‌ای استفاده بیشتر نمایند به همان اندازه گرایش به خشونت در آن‌ها افزایش می‌یابد.

آزمون فرضیه پنجم: «بین ایجاد روحیه خشونت‌آمیز در اینترنت و گرایش دانش آموزان به خشونت رابطه معناداری وجود دارد».

جدول ۵ - آزمون فرضیه پنجم

جمع	عضویت دانش آموزها در گروه‌های استفاده‌کننده از اینترنت				گرایش به خشونت
	زیاد و خیلی زیاد	تا اندازه‌ای	کم	خیلی کم	
۲۳	۱۷	۵	۰	۱	خیلی کم
۱۷	۵	۱۱	۱	۰	کم
۷۲	۱۷	۲۶	۹	۲۰	تا اندازه‌ای
۳۴	۲	۹	۱۸	۵	زیاد و خیلی زیاد
۱۴۶	۴۱	۵۱	۲۸	۲۶	جمع
آزمون		ارزش		میزان خطا	
کای اسکوتر		۶۷/۳۱		۰/۰۰۰	

با بررسی جدول (۵) و مقدار آزمون کای اسکوتر (۶۷/۳۱) و سطح معناداری ۰/۰۰۰،

می توان با اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد بین ایجاد روحیه خشونت آمیز در اینترنت در گرایش دانش آموزان به خشونت، رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه H_1 مورد تأیید بوده و H_0 رد می شود.

جدول ۶- آزمون فریدمن

اولویت	متغیرها	ردیف
۳/۹۲	عضویت	۱
۳/۸۵	خانواده	۲
۲/۱۶	روابط	۳
۳/۳۲	بازیها	۵
۳/۳۹	خشونت	۶

با بررسی نتایج مربوط به آزمون فریدمن، میزان تأثیرگذاری هر متغیر بر متغیر وابسته مشخص می شود که در این بین، متغیر عضویت بیشترین تأثیر را داشته و متغیرهای نقش خانواده، خشونت، بازیها و روابط در رتبه های بعدی قرار دارند.

ارزیابی نیکویی مدل مفهومی تحقیق: به منظور تبیین میزان گرایش به خرابکاری در دانش آموزان از طریق فضای سایبر بر اساس مجموع متغیرهای پیش بین تحقیق، از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که در مجموع پنج متغیر پیش بین مهم در شکل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب همبستگی چندگانه آنها با میزان گرایش به خرابکاری در دانش آموزان برابر $R = 0/552$ با ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/304$ و ضریب تبیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0/296$ می باشند. مقدار به دست آمده از این ضریب بیانگر آن است که حدود ۳۰ درصد از واریانس گرایش به خرابکاری در دانش آموزان توسط متغیرهای پیش بین موجود در شکل رگرسیونی تبیین می شود. در نهایت، با توجه به ضرایب بتا، نقش خانواده با بتای $\beta = 0/290$ ، روابط با دوستان در فضای مجازی با بتای $\beta = 0/137$ ، انجام بازی در اینترنت با بتای $\beta = 0/228$ و خشونت در فضای سایبر با بتای $\beta = 0/249$ در تبیین میزان گرایش به خشونت در دانش آموزان از طریق فضای سایبر سهم معنی داری دارند.

جدول ۶- تحلیل رگرسیون چندگانه

ضریب تبیین خالص	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه	سطح معناداری (sig)
۰/۲۹۶	۰/۳۰۴	۰/۵۵۲	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر چه عضویت دانش‌آموزها در گروه‌های استفاده‌کننده از اینترنت بیشتر شود، به همان اندازه، گرایش به خشونت در آن‌ها بیشتر می‌شود؛ بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. همچنین در تأیید فرضیه دوم می‌توان گفت که بین نقش خانواده در کنترل دانش‌آموزان در استفاده از فضای سایبر و گرایش دانش‌آموزان به خشونت و خرابکاری رابطه وجود دارد؛ یعنی هر چه خانواده نقش خود را در کنترل جوانان و نظارت بر نحوه استفاده آن‌ها از اینترنت افزایش دهد، گرایش به خشونت در آن‌ها کنترل می‌شود. در جامعه‌ای که نظام خانوادگی آن به فرآیند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی بر رفتار افرادش نظارت نداشته یا بی‌تفاوت نسبت به آن‌ها باشند، نه فقط بروز کنش‌های ضداجتماعی مانند خشونت افزایش می‌یابد که حتی به هم‌پاشیدگی نظام آن جامعه می‌انجامد.

از طرف دیگر، بین انجام بازی‌های رایانه‌ای و گرایش دانش‌آموزان به خشونت و خرابکاری رابطه وجود دارد. امروزه بازی‌های رایانه‌ای نه فقط ابزاری برای سرگرمی و تفریح، بلکه یکی از بزرگ‌ترین صنایع دنیای فناوری ارتباطات و اطلاعات هستند؛ صنعتی که در دو دهه اخیر، تأثیرات عظیمی هم بر سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مورد استفاده در سرتاسر جهان به جای گذاشته است و هم (به سبب متن و محتوا) مولد رفتارهای جدید بوده است. تا جایی که یکی از مواردی که بیش از سایر نکات به‌عنوان جنبه منفی بازی‌های کامپیوتری مطرح می‌شود، میزان خشونت به کار رفته در آن‌ها است. همه روزه شاهد انواع مقاله‌ها، کتاب‌ها و برنامه‌های مستند و کتبی هستیم که بازی‌های رایانه‌ای را به افزایش خشونت در میان نسل جوان متهم می‌کنند. در تأیید فرضیه چهارم می‌توان گفت که بین ایجاد روحیه خشونت‌آمیز در اینترنت و گرایش دانش‌آموزان به خشونت و خرابکاری رابطه وجود دارد. بنابراین هر چه دانش‌آموزان از بازی‌های رایانه‌ای استفاده بیشتر کنند، به همان اندازه گرایش به خشونت در آن‌ها افزایش می‌یابد و در نهایت اینکه بین ایجاد روحیه خشونت‌آمیز در اینترنت و گرایش دانش‌آموزان به خشونت رابطه وجود دارد. امروزه یکی از دغدغه‌های بسیاری از جوامع خشونت‌های به نمایش درآمده از طریق

انواع رسانه‌ها و در ادامه، تأثیرات این نمایش‌ها در کودکان و نوجوانان و جوانان است. رسانه‌های گروهی و اثرات آن بر روی کودکان (و شکل‌گیری روحیه‌های خاص مانند روحیه خشونت) یکی از مباحثی است که طی سالیان متمادی در زندگی کودکان مطرح بوده است. در ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کودکانی که در پژوهش‌های روان‌شناختی مربوط به اثرات تماشای پرخشگری از تلویزیون شرکت داشته‌اند تماشاگر بزرگ‌سالانی بوده‌اند که در تلویزیون به‌طور پرخشگرانه رفتار می‌کردند. این مشاهدات در مراحل بعدی و رفتارهای پرخشگرانه کودکان در مراحل بعدی باعث مشاجرات گسترده‌ای در مورد خشونت تلویزیونی شد. بدین ترتیب، نتایج تحقیق حاضر علاوه بر تأیید نتایج تحقیقات پیشین، یافته‌هایی در راستای تأیید فرضیه‌های یادشده ارائه می‌دهد.

پیشنهادها

- به مسئولان آموزش و پرورش منطقه ۲۲ پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری کارگاه‌ها، دانش آموزان حوزه کاری خود را با فضای سایبر آشنا کنند.
- به دبیران و مدیران آموزش پرورش منطقه ۲۲ پیشنهاد می‌شود: تا حد ممکن دانش آموزان را از عواقب و جنبه‌های منفی فضای سایبر اطلاع بخشند.
- به دبیران آموزش و پرورش توصیه می‌شود دانش‌ها و مهارت‌های استفاده از فضای سایبر را در حد تسلط به دانش آموزان آموزش دهد.
- توصیه می‌شود مسئولان آموزش و پرورش منطقه از طریق برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی والدین را با عواقب استفاده خودسرانه فضای مجازی آشنا کند.
- با استفاده از فرصت‌های پیش‌آمده برای مسئولان آموزش و پرورش از طریق رسانه ملی، در رابطه با عواقب و همچنین محاسن و معایب فضای مجازی، اطلاعات کامل و کافی در اختیار والدین و دانش آموزان و سایر مخاطبان قرار دهد.

منابع

منابع فارسی

- ابادری، یوسف (بهمن و اسفند ۱۳۷۷). *مکاتب جامعه‌شناسی و خشونت*، تهران: کیان.
- ارونسون، الیوت (۱۳۷۲). *روانشناسی اجتماعی*، (حسین شکرکن، مترجم)، تهران: انتشارات رشد.

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی*، تهران: نشر سالی.
- ام، والک؛ شلنز، تی؛ وان کیر، اچ و گرارتز، ام (خرداد ۱۳۸۷). استفاده مفید و غیرمفید کودکان مدارس ابتدایی از اینترنت در خانه و مدرسه (زهرآبتولی، مترجم). *مجله نما*، (۴)۷. بازیابی از: <https://goo.gl/y5SRVB>
- خانیکی، هادی (اردیبهشت ۱۳۸۴). وبلاگی شدن فرهنگ؛ چشم‌انداز ویژگی‌ها. مجموعه مقالات همایش فرهنگ و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات توسعه. موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رضوی، محمد (بهار ۱۳۸۶). جرائم سایبری و نقش پلیس در پیشگیری از این جرائم و کشف آن‌ها. *فصلنامه دانش/انتظامی*. ۹(۱). صص ۱۲۰ - ۱۴۰. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=74998>
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰). *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- شهیندخت، مولوردی (تیر و مرداد ۱۳۷۸). علل و ریشه‌های خشونت علیه زنان. *نشر حقوق زنان*، شماره ۱۰، صص ۲۳-۱۸. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/123121>
- صادقی فسائی، سهیلا و محمدی، شهریار (بهار و تابستان ۱۳۸۴). نگاهی جرم‌شناسانه بر جرائم امنیت و کنترل در اینترنت. *فصلنامه ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات*. ۱(۲) و ۳. صص ۹۳-۱۱۶. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/973884>
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸). *خشونت سیاسی*، تهران: انتشارات پیام امروز.
- کوثری، مسعود (بهار و تابستان ۱۳۸۴). *آنومی اجتماعی در اجتماعات مجازی*. نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۱(۲ و ۳). صص ۱۷۱-۱۹۴. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=54323>
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). *عوامل جامعه‌شناختی؛ روانشناسی و روانشناسی اجتماعی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- معتمدی مهر، کاظم (پاییز ۱۳۷۸). چالش‌های اخلاقی، حقوقی و اجتماعی در فضای ساینترنتیک؛ گزارش برگزاری دومین کنگره بین‌المللی درباره اخلاق و اطلاعات. *مجله رسانه*. ۳۹. صص ۶۶-۷۳. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/316408>

منابع انگلیسی

- Alderman, R. B. (1974). *Psychology Behavior in Sport*. Philadelphia W.B. Saundres. Retrieved from: <http://www.abebooks.com/Psychological-Behavior-Sport-Alderman-R-B/6245193999/bd>
- Baron, Robert, and Donn Byren. (1994). *Social Psychology: understanding human interaction*. Publisher, Allyn and Bacon. Retrieved from: https://books.google.com/books/about/Social_Psychology.html?id=rXVpnAEACAAJ
- Berkowit, Leonavd (1964). *The Effect of Observing Violence*. Scientific American. Retrieved from: <http://www.scientificamerican.com/article/the-effects-of-observing-violence>.
- Berkowitz, Leonard. (1986). *A Survey of Social Psychology*.
- Blanchard, Kendall & Alyce Taylor Cheska (1985). *The Anthropology of Sport*. An Introduction. Publisher Bergin & Garvey.
- Edward. Lim. (1999). Human Resources Development for the Information Society. Asian Libraries. Vol. 8. No: 5. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.1108/10176749910275975>
- Ekav (1999). Human Resources Development for the Information Society. Asian Libraries. Vol. 8. No: 5.
- Feldman, Roberts. (1993). *Understanding Psychology*. McGraw Hill, Inc.
- jukes. A. (1999). *Men Who Batter Women*, Londen: Routledge.
- Myers. David G. (1993). *Social Psychology*. Published by McGraw Hill College. Inc.
- Myers. David G. (1994). *Exploring social Psychology*. McGraw Hill College. Inc.
- Thompson, John B (1995). *The Media and Modernity: a Social Theory of the Media*. Stanford, CA:Stanford University Press Understanding Human Interaction, Allyn Baeon.
- Wolfgang, Marvin E & Weiner, Neil Alan. (1982). *Psychological Determinants and Correlates of Criminal violence*. Criminal Violence (pp-81-170). Retrieved from: <https://www.ncjrs.gov/App/Publications/abstract.aspx?ID=83004>

